



بزرگداشت ارتحال

مرحوم آیت الله سید رضی شیرازی

حَکِیم تَهْرَان

سید احمد حسینی اشکوری | مهدی محقق
سید حسین شیرازی | شهاب الدین شهرابی

بیوگرافی

گفت و گوی تفصیلی حریم امام
با سید محمد ثروی

پرونده خانواده

خطاهای همیشه همدروفته



بسم الله الرحمن الرحيم



چراغ راه

از امور مهمی که اینجانب نگران آن هستم مسائل حوزه‌های علمیه خصوصاً حوزه‌های بزرگ مثل حوزه مقدسه قم است. آقایان علمای اعلام و مدرسین محترم که خیر خواهان اسلام و کشورهای اسلامی هستند، توجه عمیق کنند که مبدا تشریفات و توجه به ساختمان‌های متعدد برای مقاصد سیاسی و اجتماعی اسلام، آنان را از مسئله مهم اصلی حوزه‌ها که اشتغال به علوم رایج اسلامی و خصوصاً فقه و مبادی آن به طریق سنتی است، اغفال کند، و مبدا خدای نخواستہ اشتغال به مبادی و مقدمات موجب شود که از غایت اصلی که ابقا و رشد تحقیقات علوم اسلامی، خصوصاً فقه به طریقه سلف صالح و بزرگان مشایخ همچون «شیخ الطائفه» و امثالہ رضوان اللہ تعالیٰ علیہم و در متأخرین همچون «صاحب جواهر» و شیخ بزرگوار «انصاری» علیہم رضوان اللہ تعالیٰ باز دارد.

اسلام اگر خدای نخواستہ هر چیز از دستش برود ولی فقہش به طریقه موروث از فقہای بزرگ بماند، به راه خود ادامه خواهد داد. ولی اگر همه چیز به دستش آید و خدای نخواستہ فقہش به همان طریقه سلف صالح از دستش برود، راه حق را نتواند ادامه داد و به تباهی خواهد کشید. و با آنکه می‌دانیم مراجع عظام و علمای اعلام و مدرسین عالیقدر دامت برکات وجودهم توجه به این امر دارند، لکن خوف آن است که اگر تشریفات و زرق و برق‌های شبیه به قطب مادیت رواج پیدا کند، در نسل‌های بعد اثر گذارد و خدای نخواستہ آنچه از آن می‌ترسیم به سر حوزه‌ها بیاید.

صحیفه امام، جلد ۱۷، ص ۳۲۵



هفته نامه حریم امام

صاحب امتیاز:

آستان مقدس امام خمینی

مدیر مسئول:

علی جوادی راد

سر دبیر:

علی عباسی

اعضای تحریریه:

وهاب آریان

سید مهدی حسینی دورود

رشید داودی

محمد رجائی نژاد

مصطفی سلیمانی

سید محمود صادقی

طراح و صفحه‌آرا:

محسن عبداللہی

نشانی:

تهران حرم مطهر امام خمینی

چاپ:

موسسه فرهنگی هنری عروج / واژه پرداز اندیشه

تماس با نشریه:

۰۹۳۶۷۸۰۳۳۳۶

ایمیل:

harim.emam@yahoo.com



فرید زمانه



شهاب‌الدین شهرابی فراهانی

عنوان «معرفی» را برای این نوشتار مناسب ندیدم زیرا معرفت را تناسبی به هیچ وجه از وجوه با مقام والای معرفت نیست و به همین جهت گمان می‌کنم که در مقام معرفتی فقیه متضلع و حکیم منالّه، جامع المنقول و المعقول حضرت آیت‌الله حاج سید رضی شیرازی (تغمده الله برحمته) ذکر دو بیت شعری که ابوالعلاء معری در وصف متکلم جلیل‌القدر سید مرتضی علم‌الهدی (رحمة الله علیه) سروده بوده است، مناسب مقام و وافی به مقصود باشد:

ياسائلى عنهُ لَمَّا جِئْتُ تَسْتَلُّهُ

الأهو الزجل العارى من العار
لَوْ جِئْتَهُ لَرَأَيْتَ النَّاسَ فِي رَجُلٍ
والدّهز في ساعة والأرض في دار
و اگر نبود جز امتثال امر فرزند معظم استاد، دانشمند فرزانه دکتر سید محمدحسن شیرازی (دامت تأییداته)، این حقیر فقیر سراپا قصور و تقصیر، خامه اندک مایه خودش را بر صفحه کاغذ نمی‌لغزانم، چرا که به تعبیر خواجه شیراز:

ای مگس، عرصه سیمرخ نه جولانگه توست

عرض خود می‌بری وز حمت ما می‌داری
ولی به حکم اینکه ادب در امتثال است، اطاعت امر نموده و به اندازه بضاعت مزجات خویش و به نحو اختصار مطالبی را در باب زندگانی آن مرد بزرگ، که به حق «بقیة السلف الصالح» در حوزه علمیه تهران محسوب می‌شد، به حضور خوانندگان گرامی تقدیم می‌دارم.

تولد و خاندان

حضرت آیت‌الله حاج سید رضی شیرازی در تاریخ ۲۵ رمضان المبارک ۱۳۴۵ هجری قمری مطابق با ۸ فروردین ۱۳۰۶ هجری شمسی در محله العماره نجف اشرف دیده به جهان گشودند. معظم له چه از نظر نسب پدری و چه از لحاظ نسب مادری برخاسته از خاندانی غریب و اصیل

بودند. پدر ایشان مرحوم آیت‌الله سید محمدحسین شیرازی فرزند مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا علی آقا شیرازی و ایشان فرزند مرحوم میرزا محمدحسن شیرازی (معروف به مجدّد شیرازی و صاحب فتوای معروف تحریم تنباکو) بودند و بدین ترتیب استاد با دو واسطه از طریق پدری منتسب به میرزای بزرگ شیرازی بودند و نتیجه وی محسوب می‌شوند. والد ایشان مرحوم آیت‌الله سید محمدحسین شیرازی از جمله تلامذه مرحوم علامه نائینی در شمار بودند و با مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خوبی به درس آن عالم بزرگ می‌رفتند و با یکدیگر هم‌بحث بوده‌اند. از جمله میراث باقی‌مانده از آن مرحوم می‌توان به یک دوره تقریرات درس خارج اصول استادش مرحوم علامه نائینی اشاره کرد که البته تا کنون به چاپ نرسیده است. مادر استاد فرزند فقیه اصولی یعنی مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ محمد کاظم شیرازی (از علمای برجسته و مراجع تقلید نجف) بوده که به تعبیر استاد زن فاضله‌ای بودند و تا لمعه را نزد پدرشان خوانده بودند و اشعار منظومه فقهی مرحوم علامه بحر العلوم یعنی «الذرة النجفیة» را از بر داشتند.

تحصیلات و اساتید

استاد تحصیلات ابتدایی خود را در نجف در مدرسه علوی (مدرسه دولتی ایرانیان در عراق) آغاز کرده و همچنین مقدمات علوم اسلامی (نصاب الصبیان و صمدیه) را نزد پدر آموختند. در سال ۱۳۱۸ شمسی (در سن ۱۲ سالگی) به همراه پدر و خانواده عازم ایران شدند و در تهران اقامت می‌گزینند. در این دوره استاد به مدارس دولتی رفته و تحصیلات متداول مقدماتی را طی می‌کنند. بعد از شهریور ۱۳۲۰ شمسی در مدرسه مروی تهران مشغول به تحصیل علوم اسلامی شدند و به فراگیری و تعمیق ادبیات، تاسیوطی و مغنی، پرداختند. در این مدت به علت وضعیت نامناسب مالی با مشکلاتی روبه‌رو شدند

ولی عشق و اشتیاق به تحصیل، تحمل همه آن مشکلات را برایشان آسان کرده بود. در حدود سال ۱۳۲۴ شمسی همراه با خانواده به نجف بازگشتند و تا سال ۱۳۲۶ در نجف می‌مانند ولی به دلیل ضعف مزاج و گرمای شدید نجف نمی‌توانستند همیشه در آنجا توقف کنند. به همین جهت در ایام تابستان و گاهی بیشتر تا حدود شش ماه از سال به تهران می‌آمدند و از اساتید حوزه تهران استفاده می‌کردند و سپس به نجف برمی‌گشتند. تا حدود سن ۲۸ سالگی یعنی ۱۳۳۴ شمسی، وضعیت ایشان به همین منوال بود. در این مدت بین نجف و تهران تردد داشتند و به فراگیری مقدمات و سطوح و خارج فقه و اصول مشغول بودند تا آنکه در این سال در تهران مستقر می‌شوند. در طول این مدت موفق به درک محضر اساتید زیادی می‌شوند که ذیلاً بدان‌ها اشاره می‌کنیم.

بخشی از ادبیات را در تهران نزد مرحوم سید احمد زبارتی سنگسری و مغنی را نزد پدرشان فرا می‌گیرند. در نجف اشرف مطول را نزد مرحوم شیخ مجتبی لنگرانی، لمعتین را نزد مرحوم امام بسدهی و معالم الاصول را در محضر جد مادری خود یعنی مرحوم شیخ محمد کاظم شیرازی می‌آموزند. قسمتی از قوانین الاصول را نزد مرحوم شیخ عبدالکریم فیض اصفهانی فرا گرفتند و قسمت دیگر آن را به انضمام کتاب فصول و مقداری رسائل مرحوم شیخ انصاری (تا اواخر ظن) نزد مرحوم علامه میرزا ابوالحسن شعرانی تحصیل می‌کنند. مکاسب را نیز از محضر مرحوم آقا عماد رشتی (نوه مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی و از شاگردان برجسته مرحوم شیخ محمدحسین غروی اصفهانی) در مدرسه مروی تهران و مرحوم شیخ عنایت‌الله گلپایگانی و مرحوم پدر و جد مادری‌شان استفاده می‌کنند. استاد در برهه‌ای که در نجف اشرف تردد داشتند، از درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ حسین حلی، مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خوبی و مرحوم آیت‌الله

العظمی شیخ محمد کاظم شیرازی نیز بهره می‌برند. پس از استقرار در تهران از درس خارج فقه مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ محمدتقی آملی، که خودشان هم مؤسس آن درس بودند، به مدت هفت سال از ۱۳۳۳ شمسی به بعد بهره بردند. کتاب دوازده جلدی «مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی» اثر مرحوم آیت‌الله آملی حاصل همین جلسات درسی است که ایشان مکتوب و برای شاگردانشان تدریس نمودند.

استاد بزرگوار همچنین اضافه می‌کردند که گاهی در جلسات درس خارج مرحوم میرزا احمد و میرزا مهدی آشتیانی نیز حاضر می‌شدند ولی به‌طور کامل از درس فقه (متاجر) و اصول (خارج کفایه) مرحوم میرزا باقر آشتیانی (فرزند مرحوم میرزا احمد آشتیانی) بهره‌زیادی برده بودند.

حضرت استاد در کنار تحصیل علوم منقول، به تحصیل علوم معقول عنایت فراوانی داشتند و از جمله وارثان و اعلام مدرسه فلسفی تهران به‌شمار می‌رفتند. ایشان با دقتی مثال‌زدنی امهات متون حکمی و عرفانی را نزد اساتید بنام آن زمان فرا گرفت. منطق منظومه حکیم سبزواری (اللئالی المنتظمة) را در نجف اشرف نزد مرحوم فیض و مرحوم شیخ صدرا با کوبه‌ای آموخته بودند و در تهران بخش حکمت (غرفه‌فراند) آن را نزد مرحوم شیخ علی محمد جولستانی و مرحوم میرزا مهدی الهی قمشه‌ای فرا می‌گیرند. طبیعیات و الهیات اشارات، قسمتی از الهیات شفاء و مقداری از علم هیئت را از محضر علامه ذوقنون مرحوم میرزا ابوالحسن شعرانی می‌آموزند. کتاب اسفار را نزد مرحوم حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و مرحوم میرزا احمد آشتیانی تحصیل می‌کنند و در رفع برخی اشکالات و سؤالات خود حول این کتاب از مرحوم میرزا محمد علی حکیم شیرازی نیز بهره می‌برند لکن باید گفت که حظ وافر استاد در فراگیری حکمت متعالیه از محضر مرحوم رفیعی قزوینی بوده است چرا که استاد برای استفاده کامل از ایشان مدت قابل توجهی به قزوین مهاجرت کردند و با اقامت در آنجا و نوشتن تقریرات درس اسفار مرحوم رفیعی قزوینی، بسیاری از معضلات و غوامض کتاب اسفار را نزد آن استاد بزرگ فرا گرفته و به علاوه از درس خارج فقه (طهارت و اجاره) ایشان نیز بهره می‌برند و مرحوم رفیعی قزوینی هم اجازه جامعی برای این شاگرد تیزهوش و برجسته خود نوشته‌اند. علاوه بر این‌ها حضرت استاد بخشی از شرح قیصری بر فصوص الحکم را نیز به صورت خصوصی از محضر آیت‌الله رفیعی قزوینی می‌آموزند و در عرفان نظری هم از ایشان استفاده می‌کنند، کما اینکه قسمت دیگری از این کتاب را در محضر آیت‌الله شیخ محمد حسین فاضل تونی تحصیل می‌کنند.

اجازات

حضرت آیت‌الله سید رضی شیرازی از معدود عالمانی به‌شمار می‌رفتند که در حوزه‌های تهران و نجف و قم به فضل شناخته می‌شدند. این مهم از اجازات اجتهاد ایشان که از سن ۲۶ سالگی به بعد از ناحیه بزرگانی همچون: شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، سید جمال الدین گلپایگانی، سید ابوالقاسم کاشانی، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، سید عبدالهادی شیرازی و سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی صادر گشته است، واضح می‌باشد.

تدریس در مدارس مروی و سپهسالار و دانشکده الهیات

آیت‌الله سید رضی شیرازی پس از آنکه در تهران مستقر شدند، در مدرسه مروی به تدریس مطول، قوانین الاصول، رسائل، کفایة الاصول و اشارات اشتغال داشت و از جمله شاگردانشان در این زمان می‌توان به آیت‌الله دکتر شیخ ابوالحسن شریف طبرستانی، که نزد استاد بخش‌هایی از مطول، قوانین، کفایه و طبیعیات اشارات را فرا گرفته بودند،

و آیت‌الله دکتر سید محمد باقر حجتی مازندرانی، که نزد استاد بخش‌هایی از مطول و قوانین را آموخته بودند، اشاره کرد. همچنین در سال ۱۳۳۸ شمسی به پیشنهاد مرحوم سید محمد بهبهانی برای تدریس به مدرسه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شهید مطهری فعلی) دعوت شد و در جمع اساتید بزرگی مانند آقا شیخ محمدعلی لواسانی، آقا سید محمد کاظم عصار، شیخ حسینعلی راشد، شیخ ابوالفضل نجم‌آبادی، سید محمود طالقانی و... به تدریس مشغول شدند.

پس از سفر مرحوم آیت‌الله دکتر مهدی حائری یزدی به آمریکا به نمایندگی از مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، دانشکده معقول و منقول (دانشکده الهیات دانشگاه تهران فعلی) از آیت‌الله سید رضی شیرازی دعوت کرد تا به جای ایشان در آنجا تدریس کند و بدین ترتیب معظم له مدتی هم در آنجا مشغول تدریس بودند. ولی ایام تدریس در مدرسه سپهسالار و دانشکده الهیات دیری نپایید؛ زیرا ابتدا در پی شرکت استاد به همراه روحانیون در مخالفت با شاه پس از فرارندوم ششم بهمن و حاضر نشدن در جلسه ملاقات با شاه در مدرسه، که رژیم پهلوی برای ظاهر‌نمایی ترتیب داده بود، از مدرسه اخراج شد و سپس در پی حمایت از روحانیت و اعلامیه‌هایی که بر ضد اصلاحات ارضی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی صادر می‌شد و روشنگری درباره این موضوعات در کلاس‌های درس دانشکده، در اوایل سال ۱۳۴۳ به همراه شهید مطهری و آقای صدر بلاغی از دانشکده اخراج گردیدند. در زمان تبعید امام خمینی به ترکیه نیز حضرت استاد به همراه دوست قدیمی و هم‌بحث خویش، یعنی مرحوم آیت‌الله محی‌الدین انصاری به ترتیب در هیئت علوی و هیئت احمدی به اقتضای روحیه ظلم‌ستیزی خود به روشننگری سیاسی و انتقاد از وضعیت موجود می‌پرداختند که با تهدید ساواک، این جلسات تعطیل شد.

در سنگر مسجد و تبلیغ

پس از این برهه یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های دینی - اجتماعی معظم له، یعنی تصدی امامت جماعت مسجد شفاء از سال ۱۳۴۴ شمسی آغاز می‌شود. مسجد سفارا شخصی به نام حاج عبدالرزاق خوانساری به دستور مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی ساخت و استاد به دستور مرحوم آیت‌الله العظمی سید احمد خوانساری از آن سال (۱۳۴۴) متصدی امامت آن مسجد می‌شوند. آیت‌الله شیرازی با بیش از نیم قرن امامت جماعت در مسجد شفاء و هفته‌ای دو شب سخنرانی (شب‌های جمعه و شب‌های شنبه) و برگزاری کلاس‌های متعدد درسی در این مسجد، خدمات دینی و فرهنگی کم‌سابقه‌ای را به جامعه مذهبی شهر تهران ارائه کردند. هم‌اکنون می‌توان از قریب هزار ساعت نوار بیانات معظم له که در خصوص تفسیر قرآن و اخلاق و عقاید که در طول این سال‌ها ضبط گردیده است، استفاده کرد. چه آنکه گنجینه گران‌قدری از این سخنرانی‌ها در سالیان اخیر تحت عنوان «زال حکمت» پیاده و در سه جلد تفسیر و اخلاق و عقاید توسط انتشارات اطلاعات منتشر گردیده است.

یکی دیگر از وجوه برجسته شخصیت حضرت آیت‌الله شیرازی تلاش و کوشش ایشان در مسیر هدایتگری و به تعبیر دیگر احیاء نفوس است. طبق بیان خود استاد، یکی از آیات قرآن که از جوانی بیشترین تأثیر را در وجود ایشان گذاشته بود، آیه شریفه «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده، ۳۲) بود. طبق مدارک موجود، حضرت استاد تا پایان عمر مبارکشان، بیش از ۵۰۰ نفر را به واسطه استدلال علمی و عقلی مشرف به دین مبین اسلام و قبول مذهب حقه اتنا عشری کرده‌اند.

دفتری به نام «دفتر ره یافتگان» موجود است که در آن دستخط و اسامی افرادی که به واسطه استاد، تشرف به دین اسلام داشته‌اند، ثبت شده و به عنوان یادگاری سترگ از خدمات دینی آن استاد بزرگ در برابر چشمان آیندگان قرار دارد.

حادثه ترور

گفتنی است که پس از ترور شهید مطهری توسط گروهک ملعون فرقان در اردیبهشت ۱۳۵۸، حضرت آیت‌الله شیرازی هم نخست به دلیل سخنرانی‌های روشنگرانه و ظلم‌ستیزانه خود و به خصوص انتقاد از تفکرات انحرافی این گروهک در مسجد شفاء و سایر جلسات و سپس به دلیل اینکه از سوی امام خمینی به عنوان یکی از نامزدهای مجلس خبرگان از طرف جامعه روحانیت مبارز و از ناحیه آیت‌الله مهدوی کنی به عنوان رئیس کمیته منطقه ۳ از کمیته‌های چهارده گانه انقلاب در تهران اعلام شده بود و همچنین اینکه به جهت تجلیل از امام خمینی به همراه برخی دوستانش به نوفل‌لوشاتو به دیدار ایشان رفته بود، شدیداً تحت نظر و تعقیب این گروهک کوردل قرار گرفته و نهایتاً توسط همین گروهک در تیرماه ۱۳۵۸ در مسیر بازگشت از مسجد شفاء به منزل مورد سوءقصد قرار گرفت و پنج تیر به سوبیش شلیک شد که چهار تیر آن به شانه و پای ایشان اصابت کرد و سپس با کمک مردم به بیمارستان منتقل شدند و ایشان ناگزیر جهت تکمیل معالجات به خارج سفر کردند و به لطف الهی بعد از مدت قابل توجهی، سلامتی خود را باز یافتند.

تدریس در مسجد و منزل، تألیفات

حضرت آیت‌الله سید رضی شیرازی پس از انتقال به مسجد شفاء در منطقه یوسف‌آباد، از آغاز دهه چهل تا اواخر عمر شریف اشتغال به تدریس و تحقیق در منزل و همچنین مسجد در هر سه رشته فقه و اصول و فلسفه (از مقدمات تا سطوح عالی) این سه رشته) داشتند که نتیجه آن غیر از تربیت شاگردان متعدد، تألیف و تدوین و چاپ آثار ارزشمندی همچون: «نگاه ناب» (که شامل یک دوره اصول عقاید و مباحث اعتقادی و کلامی به سبک و سیاق برهانی و عقلی می‌باشد)، مجموعه سه جلدی «زال حکمت» در تفسیر و اخلاق و عقاید، «درس‌های شرح منظومه حکیم سبزواری» در دو جلد قطور (که شرحی کامل بر همه بخش‌های منظومه حکمت حاج ملاهادی سبزواری است)، «الاسفار عن الاسفار» در دو جلد (که تعلیقات معظم له بر امور عامه اسفار به همراه تقریر بیانات سه استاد بزرگوارشان حول معضلات این کتاب می‌باشد) می‌باشد. همچنین از ایشان حواشی کاملی بر کفایة الاصول و رسائل، رساله‌هایی پیرامون برخی قواعد فقهی همچون: لا ضرر و لا تعدا، به جای مانده است. دوره کامل دروس اسفار و شواهد الزبویة و خارج عروة از دیگر میراث آن فریدزمانه است.

ارتحال

سرانجام این فقیه ربّانی و حکیم صمدانی که رکن رکین حوزه علمیه تهران و عمود خیمه آن محسوب می‌شد و سال‌های سال باید بگذرد تا مگر مانند اوبی یافت شود، پس از عمری مجاهدت در تحصیل و ترویج معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پرورش شاگردان متعدد و تألیف آثار مختلف، در دهم آذر ۱۴۰۰ خورشیدی به دیدار حق شتافت و قلب شاگردانش را در حزنی ابدی فرو برد. پیکر شریفشان پس از تشییعی باشکوه در تهران و قم و نجف، در کنار مضع نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام و در مقبره جد بزرگوارشان مرحوم میرزای شیرازی به خاک سپرده شد.

از شمار دو چشم، یک تن کم

وز شمار خرد، هزاران بیش

خداوند از دعای ایشان محروممان ندارد.

سیداحمد حسینی اشکوری:

بارزترین خصوصیت اخلاقی ایشان فروتنی بود

آیت‌الله سیدرضی شیرازی همین که توانست این دو جنبه را باهمدیگر جمع کند، کار بزرگی انجام داده است؛ یعنی هم جنبه علمی و هم امور اجتماعی و مردم‌داری



تحقیق در زمینه‌های متن‌پژوهی، فهرست‌نگاری و نسخه‌شناسی و تحلیل و عرضه دستاوردهای علمی و فرهنگی گذشتگان به معاصران و آیندگان، از مصداق‌های بارز تحقیقات و پژوهش‌های بنیادین فرهنگی است که حجت‌الاسلام والمسلمین سیداحمد حسینی اشکوری بدان پرداخته است. حریم امام در گفت‌وگو با ایشان به بررسی شخصیت علمی و وجهه اجتماعی مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی پرداخت.

موضوع گفت‌وگوی ما درباره شخصیت مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی است. در ابتدا از سابقه آشنایی خود با ایشان برای ما بفرمایید.

مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی شخصیت علمی و اخلاق اجتماعی بالایی داشت. ما یک شب در مشهد به صرف شام دعوت شدیم. تابستان بود و من در مشهد بودم؛ ایشان هم برای زیارت آمده بود و هر دو در کوه سنگی مشهد در منزل یکی از شخصیت‌ها دعوت شده بودیم. منزل ما در مشهد نزدیک حرم است. بعد از شام با همدیگر تا منزل خودمان پیاده آمدیم و در راه گفت‌وگوی علمی داشتیم. یک بار هم در انگلستان کنگره غدیر برگزار شد و بنده را به آنجا دعوت کردند. اخوی مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی هم در آنجا دعوت بود و چند روزی در لندن با همدیگر دیدارهایی داشتیم. **از خاندان شیرازی برای ما بفرمایید. هنوز کما فی السابق آن جایگاه را در عراق دارند؟**

آیت‌الله العظمی میرزا سید عبدالهادی شیرازی و همچنین میرزا بزرگ شیرازی از همین خاندان هستند و این خاندان جایگاه محترم علمی و اجتماعی بالایی داشته و دارند؛ هم در نجف و هم در ایران. البته دیگر آن جایگاه مشهوری که در نجف داشتند، امروزه بروز کمتری دارد و بیشتر در تهران شناخته شده هستند.

از جایگاه علمی آیت‌الله سیدرضی شیرازی برای ما بفرمایید.

مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی آدم با سلیقه‌ای بود. خیلی‌ها جنبه علمی دارند، اما سلیقه عرضه

آن را ندارند؛ ایشان علاوه بر علمیت، سلیقه این را داشت که آن را به مخاطب به درستی منتقل کند.

مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی علی‌رغم همه این مشکلات موجود در تهران، با اراده‌ای که داشت هم به جوه علمی پرداخت و هم به امور اجتماعی اهتمام داشت. تا جایی که می‌توانست هم طلبه‌پروری و هم به مشکلات عمومی مردم رسیدگی کرد. ایشان باید در تهران این دو کار بزرگ را انجام می‌داد؛ یعنی هم به جنبه علمی بپردازد و هم اجتماعی. اگر کسی در حوزه علمیه قم باشد، فقط به یک جنبه می‌پردازد و آن جنبه علمی است. اما در تهران و برخی دیگر از شهرها لازم است هم به جنبه علمی پرداخته بشود و هم اجتماعی. پرداختن به هر دو این امور کار سختی است. هر کسی هر چقدر هم اراده داشته باشد، اگر در حوزه‌های غیر از حوزه علمیه قم باشد، نمی‌تواند آن چنان که باید تمام ظرفیت خود را فقط برای امور علمی، از قبیل تدریس و پژوهش بگذارد

شخصیت جامع و توانمندی داشت. از آیت‌الله سیدرضی یک کتاب تفسیر چاپ شده است. این کتاب جمع‌آوری سخنرانی‌ها و جلسات ایشان درباره تفسیر برخی از آیات قرآن می‌باشد که به صورت کتاب تفسیر پیاده و چاپ شده است؛ از این رو این کتاب را می‌توان برای عموم مناسب دانست؛ چون در سطح عموم بیان شده است و نه در سطح تخصصی و برای افراد خاص علمی.

حضور عده‌ای از شخصیت‌ها در حوزه‌های علمیه مفیدتر است تا اینکه در شهرستان‌ها بمانند. این افراد اگر در حوزه بمانند، بازدهی علمی بیشتری می‌توانند داشته باشند و شخصیت علمی‌شان بیشتر نمود و ظهور پیدا می‌کند. اما در شهرستان‌ها به اعتباری شئون اجتماعی و ارشادی، جنبه‌های علمی‌شان آن چنان که باید دیده نمی‌شود؛ چون جنبه‌های علمی آنان تحت شعاع جنبه‌های اجتماعی و ارشادی قرار می‌گیرد.

یکی از شخصیت‌های تهران می‌گفت: «هر کسی که فوت می‌کند، ما مجبوریم که در مراسم شرکت کنیم. هر کسی از سفر حج یا عتبات برمی‌گردد، به دیدارش می‌رویم و... در این صورت وقت ما با همین شئون اجتماعی پر می‌شود و دیگر فرصت کافی برای امور علمی برای ما باقی نمی‌ماند.» بنابراین هر چند برخی از شخصیت‌ها جنبه علمی بالایی دارند، اما امور و شئون اجتماعی مجال بروز آن را نمی‌دهد. شخصیت‌هایی که دارای مراتب علمی بالایی هستند، در حوزه‌های علمیه بمانند و به شهرستان‌ها نروند و درگیر شئون اجتماعی نشوند، بهتر است و این شخصیت‌ها می‌توانند آثار و تألیفات گران‌سنگی پس از خودشان به جای بگذارند تا برای



آیندگان مفید و ثمر بخش باشد و همچنین شاگردان ممتازی را تربیت کنند.

🏠 از نظر شما مهم‌ترین خصوصیت اخلاقی آیت‌الله سیدرضی شیرازی چیست؟

مهم‌ترین و بارزترین خصوصیت اخلاقی مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی فروتنی بود. بسیاری از افراد وقتی مراتب علمی بالایی پیدا می‌کنند، دیگر عموم مردم را به حساب نمی‌آورند و فقط با افراد خاص علمی معاشرت می‌کنند. برخی حتی انس با رفقای خودشان را هم کم‌رنگ می‌کنند؛ این افراد چون ظرفیت کمی دارند، این حالت را پیدا می‌کنند. کسی در سطح علمی و فرهنگی بالایی قرار بگیرد و در عین حال جنبه اخلاقی ممتازی داشته باشد، کمتر پیدا می‌شود. این ویژگی است که کمتر کسی دارد. مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی از این قبیل شخصیت‌ها بود. یعنی با اینکه مراتب علمی بالایی داشت، انس خودش با رفقا و دوستان سابقش را حفظ کرد. این امتیازی است که ایشان داشت. در صحبت‌ها و معاشرت‌ها خودش را مانند بقیه می‌دانست و مرتبه بالاتری برای خودش قائل نبود. خدا در آیه‌ای از قرآن خطاب به پیامبر کرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» واژه عظمت در قرآن کمتر استفاده شده است. حُسن اخلاق پیامبر اکرم (ص) آن قدر بالا بود که چنین آیه‌ای نازل شد. یک بار در کربلا، برای یکی از نشریات مقاله‌ای نوشتم که عنوانش «اسباب پیشبرد پیامبر اکرم (ص)» بوده است. در آن مقاله درباره محیط جاهلی آن روزگار و خلیقات حضرت مطالبی را به تحلیل و بررسی قرار دادم. یکی از اسباب پیشبرد مهم حضرت پیامبر خاتم (ص) اخلاق ایشان بود. حُسن اخلاق موجب شد که بسیاری از اعراب جاهلی آن موقع به اسلام ایمان بیاورند.

امتیاز مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی به نظر من همین بوده است؛ البته امتیاز علمی در جای خود مهم و ارزشمند است؛ اما علاوه بر آن وجوه و امتیازات علمی، از اخلاق حسنه و مردمی برخوردار بود.

🏠 از جایگاه ایشان در حوزه علمیه تهران برای ما بفرمایید. آیا حضور ایشان در تهران از نظر علمی و اجتماعی ثمر بخش بوده است؟

در پاسخ به این سؤال، ابتدا باید پرسید که آیا حوزه علمیه تهران، واقعاً حوزه علمیه است؟ خود این یک مسئله است. راه‌های دور و وقت‌گیر حوزه تا منزل را باید در نظر گرفت. در چنین شرایطی آیا کسی می‌تواند به معنای واقعی کلمه حوزوی باشد و از دقایق عمرش نهایت بهره‌های علمی را ببرد؟ به عقیده من شهرهای مختلف حوزه‌های علمیه دارند؛ اما بازدهی آن چنانی ندارند. مشکل تهران همین است. به همین خاطر عرض کردم اگر چنین شخصیت‌هایی، مانند مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی در حوزه‌های مهمی مثل قم می‌ماندند، بازدهی بیشتری داشتند. البته این انکار بازدهی حوزه‌های علمیه تهران نیست، اما باید ببینیم که اولویت با کدام حوزه است؛ حوزه علمیه قم یا تهران و دیگر شهرستان‌ها؟ به نظر بنده حوزه علمیه قم بازدهی بیشتری دارد.

آن جنبه علمی است. اما در تهران و برخی دیگر از شهرها لازم است هم به جنبه علمی پرداخته بشود و هم اجتماعی. پرداختن به هر دو این امور کار سختی است. هر کسی هر چقدر هم اراده داشته باشد، اگر در حوزه‌ای غیر از حوزه علمیه قم باشد، نمی‌تواند آن چنان که باید تمام ظرفیت خود را فقط برای امور علمی، از قبیل تدریس و پژوهش بگذارد.

به نظر بنده جنبه علمی آیت‌الله سیدرضی شیرازی آن چنان بالاست که متأسفانه به علت حضورشان در تهران و پرداختن به برخی امور اجتماعی، آن چنان که باید از جنبه علمیشان استفاده نشده است. برای مثال کتاب تفسیری دارد که مجموعه جلسات عمومی ایشان در مسجد می‌باشد و برای عموم مردم بیان شده است و نه افراد خاص علمی. اگر چنین شخصی در حوزه علمیه درس تفسیر می‌گفت، کتاب تفسیرش هم امروزه عمیق‌تر و علمی‌تر بود. طبیعی است که اگر مخاطبان عموم مردم باشند، بیانات ارائه دهنده هم در همان سطح باقی می‌مانند.

با این حال آیت‌الله سیدرضی شیرازی همین که توانست این دو جنبه را با هم دیگر جمع کند، کار بزرگی انجام داده است؛ یعنی هم جنبه علمی و هم امور اجتماعی و مردم‌داری.

بنده یک بار می‌خواستم به عیادت یکی از دوستان بروم. به علت ترافیک و مسافت زیاد و مشکلات حمل و نقل منصرف شدم. این مشکل در تهران وجود دارد و یک حوزوی نمی‌تواند در چنین شرایطی به خوبی درسش را ادامه بدهد و بازدهی داشته باشد. گاهی وقت‌ها از من سؤال می‌کنند که نظرت درباره فلانی چیست؟ می‌گویم فلانی معمم است و نمی‌گویم طلبه است! چون معتقدم برای طلبه شدن باید یکسری شرایطی جمع شود. مهم‌ترین شرطش این است که انسان از بسیاری از امور دنیوی چشم‌پوشی کند و فقط متوجه کارهای علمی باشد. حال باید دید که در تهران با وجود این همه موانع و دشواری‌ها، ممکن است یا خیر؟ قطعاً اگر هم اراده‌ای در کار باشد، موانع موجود در تهران حرکت و اراده انسانی را سست می‌کند.

مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی علی‌رغم همه این مشکلات موجود در تهران، با اراده‌ای که داشت هم به وجوه علمی پرداخت و هم به امور اجتماعی اهتمام داشت. تا جایی که می‌توانست هم طلبه‌پروری و هم به مشکلات عمومی مردم رسیدگی کرد. ایشان باید در تهران این دو کار بزرگ را انجام می‌داد؛ یعنی هم به جنبه علمی پردازد و هم اجتماعی. اگر کسی در حوزه علمیه قم باشد، فقط به یک جنبه می‌پردازد و

مهدی محقق:

در بالندگی حوزه‌های علمیه تهران و به خصوص مدرسه مروی اثر گذار بود



دکتر مهدی محقق نویسنده، ادیب، فقیه، نسخه‌پژوه و پژوهشگر تاریخ پزشکی اسلامی، مصحح و شارح کتب ادبی و فلسفی و فقهی، و استاد دانشگاه تهران است. وی اصالتی دامغانی از خاندان محقق داشته و در شهر مشهد به دنیا آمد و دارای مدرک دکتری الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران و دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران است.

ایشان در گفت‌وگو با حریم امام از سیر زندگی علمی مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی سخن گفت.

واقع پس از شهریور ۱۳۲۰ بود که مدرسه‌ها پس از رکود و تعطیلی، روح تازه‌ای گرفتند و طلاب جوان علاقه‌مند به دروس حوزه شدند. از جمله مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی. علاوه بر آن ایشان در محله یوسف‌آباد سکونت داشت و ما هم در همین محله بودیم. در مسجد شفا امامت جماعت بود و بنده گاهی ایشان را زیارت می‌کردم. حتی در مراسم عقد دخترم از ایشان دعوت کردم و محبت فرمود و تشریف آورد. مراسم هم با نظارت و پامردی آیت‌الله سیدرضی شیرازی رونق خاصی گرفت.

ارتباط ایشان با آیت‌الله سید احمد خوانساری چگونه بود؟

آیت‌الله سید احمد خوانساری از مراجع برجسته تهران بود و مسلماً آیت‌الله سیدرضی شیرازی با ایشان ارتباط داشت؛ اما بنده از نحوه این ارتباطات اطلاعی ندارم. گفته می‌شود که کلنگ مسجد شفا را آیت‌الله سید احمد خوانساری زد و اولین بار هم ایشان در آنجا اقامه نماز فرمود. از این مسئله برمی‌آید که با هم ارتباط داشتند.

جایگاه ایشان نزد طلاب حوزه علمیه چطور بود؟

آیت‌الله سیدرضی شیرازی دروس حوزه را به‌طور کامل خوانده بود و درس هم می‌داد و طلاب جوان هم از محضر ایشان استفاده می‌کردند؛ از جمله فرزند من محمود محقق هم چند صباحی به درس آیت‌الله سیدرضی شیرازی در مسجد شفا می‌رفت. به هر حال ایشان مدرس توانمندی بود و در خانواده علم و معرفت به دنیا آمد. حضور و وجودش در محله یوسف‌آباد هم مایه خیر و برکت بود.

از جایگاه علمی ایشان نزد اساتید و علمای بزرگ تهران برای ما بفرمایید. جایگاه ایشان نزد اساتید بسیار محترمانه و برجسته بود. به سبب اینکه طلبه باهوش و علاقه‌مند به علوم دینی بود. در میان طلاب آن دوره، شخصیت ایشان برجستگی خاصی داشت. از جمله اساتید ما در مدرسه مروی، میرزا محمدباقر آشتیانی بود که مدیریت مدرسه را هم بر عهده داشت. همچنین مرحوم سید هادی ورامینی که استاد بنده در صرف و نحو بود.

ما اگر بخواهیم پنج استاد مبرز و تراز اول حوزه علمیه تهران را نام ببریم، یکی از آنان قطعاً آیت‌الله سیدرضی شیرازی است. یعنی می‌توان وی را در کنار میرزا مهدی آشتیانی و میرزا محمدباقر آشتیانی قرار داد و جایگاهشان را مشخص کرد.

در مسجد شفا کسانی بودند که به آیت‌الله سیدرضی شیرازی ارادت داشتند و از محضرشان استفاده می‌کردند و همیشه ذکر خیرشان را در محافل و مجالس داشتند. همچنین در بین عامه مردم از نفوذ بالایی برخوردار بود و تا آنجایی که در توان داشت سعی می‌کرد مشکلات مردم را حل و فصل کند.

موضوع گفت‌وگوی مادر باره شخصیت مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی است. در ابتدا از سابقه آشنایی خود با ایشان برای ما بفرمایید.

بنده با مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی از سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ آشنا شدم؛ یعنی در آن زمان که مدارس علمیه پس از رضاخان رونق تازه‌ای گرفته بود. در آن دوران دو مدرسه در تهران بود: یکی مدرسه مروی و دیگری مدرسه سپهسالار قدیم. در مدرسه سپهسالار قدیم اتاقی داشتیم که مدیر آن میرزا مهدی آشتیانی، استاد بزرگ فلسفه اسلامی بود. مدرسه مروی را نیز میرزا محمدباقر آشتیانی مدیریت می‌کرد. برخی طلاب جوان بعد از شهریور ۱۳۲۰ به این قبیل مدارس روی آورده بودند؛ از جمله آنان مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی بود. بنده هم در همان موقع در مدرسه مروی نزد مرحوم سید هادی ورامینی درس صرف و نحو را می‌خواندم. بنابراین ما با این طلاب که تازه دروس حوزه را شروع کرده بودند، آشنا شدیم. آیت‌الله سیدرضی شیرازی در محله یوسف‌آباد زندگی می‌کرد و در مسجد شفا امام جماعت بود. گاهی به آنجا می‌رفتم و ایشان را زیارت می‌کردم. تخصص آیت‌الله شیرازی روی علوم حوزوی فقه و اصول بود و بر فلسفه اسلامی هم احاطه داشت و می‌توان گفت از نوادر علمای تهران به شمار می‌آمد. خداوند ایشان را رحمت کند.

بنده از آن دوره، یعنی شهریور ۱۳۲۰ با ایشان آشنا شدم و تا همین اواخر که به رحمت خدا رفت، در جریان زندگی علمی‌شان بودم. ما در آن زمان همدرس و بحث بودیم.

شاگردان خود را در این امر تشویق می‌کرد. پسر خودم محمود محقق به درس آیت‌الله سیدرضی شیرازی می‌رفت و کاملاً از تدریس ایشان راضی بود و می‌گفت استاد توانایی است و در میان اساتید دیگر، مهارت بارزتری دارد. علاقه ایشان به علوم حوزوی بود و به‌طور منظم هم نزد اساتید علوم دینی حاضر می‌شد. بنده هم در جریان درس خواندن ایشان و مباحثاتشان بودم. بنابراین می‌توان گفت که آیت‌الله سیدرضی شیرازی از طلاب زحمتکش آن دوره محسوب می‌شد و در مدرسه مروی هم با جدیت کامل سر درس‌ها حضور می‌یافت و با اشتیاق کامل مباحث را دنبال می‌کرد و از وقت خود به نحو احسن بهره می‌گرفت و این راز موفقیتشان در تحصیل و کسب علوم مختلف دینی است که می‌تواند الگوی مناسبی برای طلاب این دوره هم باشد.

همان‌طور که عرض کردم ما اگر بخواهیم پنج استاد مبرز و تراز اول حوزه علمیه تهران را نام ببریم، یکی از آنان قطعاً آیت‌الله سیدرضی شیرازی است. یعنی می‌توان وی را در کنار میرزا مهدی آشتیانی و میرزا محمدباقر آشتیانی قرار داد و جایگاهشان را مشخص کرد.

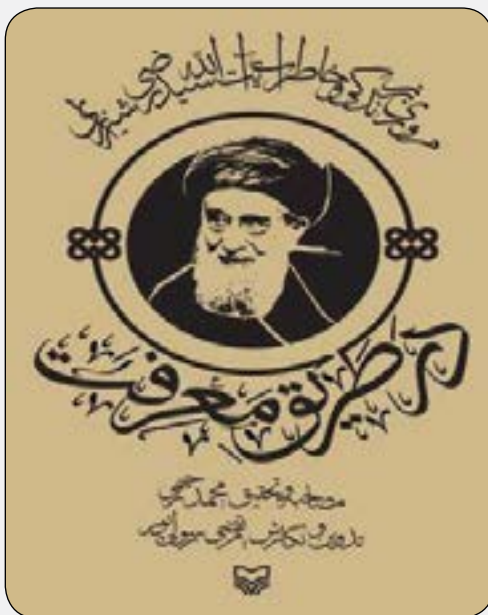
در مسجد شفا کسانی بودند که به آیت‌الله سیدرضی شیرازی ارادت داشتند و از محضرشان استفاده می‌کردند و همیشه ذکر خیرشان را در محافل و مجالس داشتند. همچنین در بین عامه مردم از نفوذ بالایی برخوردار بود و تا آنجایی که در توان داشت سعی می‌کرد مشکلات مردم را حل و فصل کند.

آیا این جایگاه بالای آیت‌الله سیدرضی شیرازی در میان عام و خاص به خاطر ریشه و نسب خانوادگی ایشان است یا اینکه خودشان هم در این راستا تلاش‌هایی داشتند و بدون در نظر گرفتن نسب خانوادگی به جایگاه بالایی رسیدند؟

بدون شک خودش هم در این مسیر تلاش‌های فراوانی داشت. هم از نظر خدمات علمی و هم خدمات اجتماعی تأثیرگذار بود. این جایگاه به صرف انتساب خانوادگی نبود و بیشتر آن به سبب تلاش‌ها و زحمات خودش بود. حتی در زمان آیت‌الله العظمی بروجردی هم مورد توجه ایشان قرار گرفت.

توصیه شما به اساتید و مسئولان حوزه علمیه که این قبیل شخصیت‌ها را برای طلاب بیشتر مورد توجه قرار بدهند، چیست؟

شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله سیدرضی شیرازی باید بیشتر مورد توجه اساتید و مدیران حوزه‌های علمیه قرار بگیرند و آنان را برای جوانان به عنوان الگویی مناسب معرفی کنند. چون عوامل مایوس‌کننده در حوزه‌های علمیه زیاد است و عوامل تشویق‌کننده کم. باید استنادی در حوزه‌ها باشند و طلاب را فرزند خودشان به حساب بیاورند و آنان را تشویق کنند. کما اینکه در دوره ما چنین بود و اساتید به ما مانند فرزندان خود می‌نگریستند. اساتید باید از هر جهت طلاب را کمک کنند و نگذارند فرصت‌ها و استعدادها را از دست بدهند.



حوزه علمیه تهران در تدریس فلسفه آزاد بود و علمای بزرگی در آنجا به تدریس و تعلیم و ترویج حکمت می‌پرداختند. بنده درس فلسفه میرزا مهدی آشتیانی را در ک کردم. ایشان در مدرسه سپهسالار قدیم عنایت خاصی به بنده داشت و با اینکه هنوز بیست سال هم نداشتم، یک حجره به من داد و در درسشان هم شرکت می‌کردم و مورد تشویق ایشان قرار گرفتم. خداوند ایشان را رحمت کند.

آیت‌الله سیدرضی شیرازی در مدرسه مروی ابتدا تحصیل کرد و بعدها به عنوان مدرس تراز اول هم در آنجا شناخته شد.

از خصوصیات اخلاقی ایشان برای ما بفرمایید.

آیت‌الله سیدرضی شیرازی متخلق به اخلاق حسنه بود و به علما احترام زیادی قائل می‌شد و

طلاب از آثار ایشان بهره‌های زیادی می‌بردند. اغلب آثار ایشان درباره حکمت متعالیه، مکتب ملاصدرا، میرداماد، فیض کاشانی، عبدالرزاق لاهیجی و ملاهادی سبزواری است. تسلط کاملی هم بر این مکتب داشت. هم فقه می‌دانست و هم فلسفه اسلامی. هم در علوم منقول چیرگی و زبردستی داشت و هم در علوم معقول. بنابراین جامع معقول و منقول به شمار می‌آمد. در معقول تسلط کافی بر مباحث فلسفی داشت. در تدریس آثار ملاصدرا و میرداماد و حاج ملاهادی سبزواری مهارت داشت و با آثار و دیدگاه‌های آنان آشنا بود. همچنین بر کفایه‌آخوند خراسانی احاطه کافی داشت. کتاب رسائل شیخ مرتضی انصاری را هم تدریس می‌کرد



از نقش و تأثیر ایشان در ارتقای سطح علمی حوزه‌های تهران برای ما بفرمایید.

از آنجا که از علمای برجسته تهران بود، طبیعتاً تأثیر فراوانی داشت. اگر بخواهیم پنج یا شش مدرس تراز اول در تهران را نام ببریم، یکی از آنان مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی است. بنابراین در بالندگی حوزه‌های علمیه تهران و به خصوص مدرسه مروی اثرگذار بود.

ما در مدرسه مروی اساتید مشترکی داشتیم؛ از جمله سید هادی ورامینی، شیخ حسین کنی، میرزا محمدباقر آشتیانی و...

ایشان کتابی درباره ملاهادی سبزواری در بیان اشعار تألیف کرده است و در درس‌های خود از آن کتاب هم نام می‌برد. بنده شاگرد آیت‌الله سیدرضی شیرازی نبودم، اما معاصر ایشان در مدرسه مروی بودم و از این رو درباره کیفیت تدریستان اطلاع چندانی ندارم. اما می‌دانم که طلاب از آثار ایشان بهره‌های زیادی می‌بردند. اغلب آثار ایشان درباره حکمت متعالیه، مکتب ملاصدرا، میرداماد، فیض کاشانی، عبدالرزاق لاهیجی و ملاهادی سبزواری است. تسلط کاملی هم بر این مکتب داشت.

هم فقه می‌دانست و هم فلسفه اسلامی. هم در علوم منقول چیرگی و زبردستی داشت و هم در علوم معقول. بنابراین جامع معقول و منقول به شمار می‌آمد. در معقول تسلط کافی بر مباحث فلسفی داشت. در تدریس آثار ملاصدرا و میرداماد و حاج ملاهادی سبزواری مهارت داشت و با آثار و دیدگاه‌های آنان آشنا بود.

همچنین بر کفایه‌آخوند خراسانی احاطه کافی داشت. کتاب رسائل شیخ مرتضی انصاری را هم تدریس می‌کرد.

شما از ماجرای ترور ایشان اطلاع داشتید؟ با اینکه چندان در امور اجرایی کشور نقش و فعالیتی نداشته است، چرا مورد قصد گروهک‌های سیاسی در ابتدای انقلاب واقع شد؟

مرحوم عبدالله نورانی همسایه ما بود. یک روز جوانی نزد ایشان رفت و گفت چرا آقای سیدرضی شیرازی در سیاست دخالت نمی‌کند؟ مرحوم عبدالله نورانی به او گفت: «یک پای ایشان در همین جریان‌های سیاسی تیر خورد. شما می‌خواهید پای دیگرشان هم تیر بخورد؟!» البته بنده در جریان ترور ایشان قرار نگرفتم. ظاهراً گروه فرقان ترور را بر عهده گرفتند؛ یعنی همان کسانی که شهید مرتضی مطهری را ترور کردند. چند شخصیت در ابتدای انقلاب اسلامی مورد حمله گروهک فرقان قرار گرفتند؛ از جمله آنان مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی بود.

آیا تدریس فلسفه در تهران آزادانه بود یا اینکه برای عده‌ای خاص و با محدودیت‌هایی همراه بود؟

تدریس فلسفه در تهران با ممانعت خاصی روبه‌رو نشد. به هر حال مرحوم میرزا مهدی آشتیانی مدرس توانای فلسفه بود و در مدرسه سپهسالار قدیم تهران تدریس می‌کرد. بنده هم از نزدیک در جریان علمی ایشان بودم. از این رو



حجت الاسلام والمسلمین سید حسین شیرازی فرزند مرحوم آیت الله سیدرضی شیرازی و مدرس حوزه علمیه تهران است. ایشان در گفت و گو با حریم امام نکات ارزنده‌ای را درباره شخصیت علمی و اخلاقی و پایگاه اجتماعی پدر سخن گفت.

پرونده‌ای در بزرگداشت مرحوم آیت الله سیدرضی شیرازی

سید حسین شیرازی:

ایشان قبل از انقلاب در دانشگاه تدریس داشت

مرحوم آیت الله رفیعی قزوینی و منظومه را نزد الهی قمشه‌ای و عرفان را نزد فاضل تونی آموخت. با این حال مجموعه این‌ها از ایشان فقط یک چهره علمی ساخت؛ بلکه حضورشان در مسجد شفا، از ایشان یک چهره اجتماعی ساخت. نتیجه این شد که مسجد شفا هم محل مراجعه طلاب علوم دینی و دانشگاهی باشد و هم محل مراجعه توده و عموم مردم. مرحوم پدرم در تمام سطوح برای تمام اقشار برنامه داشت و از نظر مسائل دینی و اجتماعی آنچه در توان داشت در اختیار مردم قرار می‌داد. در سال‌های دورتر در مدرسه مروی تدریس داشت، همچنین در مدرسه سپهسالار و بعد دانشگاه الهیات، دانشکده معقول و منقول تدریس داشت؛ اما بعد از پیروزی انقلاب وقتی ترور شد، این رفت و آمدها را تعطیل کرد و کارهای علمی را در مسجد و منزل ادامه داد. منزل هم تبدیل به یک حوزه علمیه شد. صبح‌ها دوتا درس می‌گفت و بعد از ظهرها هم یک درس؛ یعنی روزی سه درس می‌گفت. اولین درسشان هم ساعت ۶:۳۰ صبح بود. ساعت ۶ صبح اخبار رادیو را گوش می‌داد و بعد صبحانه میل می‌کرد و ساعت ۶:۳۰ سر درس حاضر می‌شد. از همان ابتدای صبح با طلاب مشغول مباحثات علمی می‌شد. پس از دو ساعت مراجعات اجتماعی داشت و تلفن‌ها را پاسخ می‌داد. ظهرها هم به مسجد می‌رفت و بعد از ظهرها نیز مطالعه و درس آغاز می‌شد و غروب دوباره به مسجد می‌رفت و پس از آن به مراودات اجتماعی می‌پرداخت. یکی از کارهای بسیار زیبایی که ایشان داشت، بحث سخنرانی‌های شب‌های جمعه و شب‌های شنبه بود که عمدتاً اختصاص به مباحث تفسیری داشت و تقریباً هفتصد ساعت از این مباحث را جمع‌آوری و آماده کردیم. برخی از آن جلسات از رادیو معارف پخش می‌شد. دو جلد از این مجموعه سخنرانی‌ها

جوانی، یعنی حدود سی سالگی بار یک خانواده پرجمعیت را به دوش خود می‌کشد. الحمدلله همه اعضا خانواده از اساتید و بزرگان و نامداران این مملکت شدند؛ از جمله مرحوم دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی تحصیل کرده ادبیات عرب در دانشگاه قاهره و عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، دکتر سید باقر آیت الله زاده شیرازی که مدت‌ها قائم‌مقام میراث فرهنگی بود و دکترای مرمت بناهای تاریخی را دارد؛ دکتر فخرالدین آیت الله زاده شیرازی از اساتید دانشگاه شهید بهشتی و... عمه‌های ما هم همگی تحصیل کرده و فرهیخته هستند. پدر ما در تهران به عنوان یک شخصیت برجسته شناخته می‌شد. ایشان هفت اجازه اجتهاد داشت؛ از جمله از آیت الله میرزا عبدالهادی شیرازی، آیت الله رفیعی قزوینی، آیت الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، آیت الله مرعشی. این بزرگان به مرحوم پدرم اجازه اجتهاد دادند. این مسیر علمی ایشان را مشخص و گویا می‌کند. از حدود پنجاه سال قبل هم ایشان در یک پایگاه مذهبی به نام مسجد شفا مستقر شد و مورد محبت و عنایت آیت الله العظمی سید احمد خوانساری قرار گرفت. کلنگ این مسجد را خود آیت الله العظمی خوانساری زدند و این مسجد تحت اشراف یکی از مریدان ایشان به مدت پنج سال ساخته شد. نماز افتتاح این مسجد هم توسط خود آیت الله العظمی خوانساری خوانده شد. این شرایط دست به دست هم داد تا پدر ما در عین اینکه وزنه علمی بود و سابقه تحصیل در نجف و سابقه تدریس در مدرسه مروی و سپهسالار داشت، به عنوان یک شخصیت صرفاً علمی شناخته نشود؛ بلکه علاوه بر امور علمی به امور اجتماعی و عام المنفعه هم بپردازد. ایشان در ایران هم حدود هفت سال درس آیت الله محمدتقی آملی حاضر شد و سال‌ها اسفار اربعه را از

رحلت پدر بزرگوار شما آیت الله سیدرضی شیرازی را تسلیت عرض می‌کنیم. موضوع گفت و گوی ما درباره زندگی علمی و اجتماعی ایشان است. در ابتدا مختصری از زندگینامه معظم‌له را برای ما بیان بفرمایید. حضرت آیت الله سیدرضی شیرازی در سال ۱۳۴۵ قمری به دنیا آمد. این تاریخ در پشت جلد قرآن ما نگاشته شده است. یک جلد قرآنی در منزل داریم که سابقه ۱۵۰ ساله دارد. سابقاً رسم بر این بود که در پشت قرآن ولادت فرزندان را قید کنند. ما یک قرآنی داریم که اولین واقعه مکتوب پشت آن، تاریخ عقد مرحوم حضرت آیت الله شیخ کاظم شیرازی، جد امی اقا است. طبیعتاً بقیه وقایع پشت سر آن مکتوب شده است. لذا مطابق آن ۲۵ رمضان ۱۳۴۵ هجری قمری آیت الله سیدرضی شیرازی به دنیا آمد. پدر بزرگوار ایشان شخصیت برجسته علمی و نوه آیت الله میرزای شیرازی و مورد توجه عام و خاص بود. پدر بزرگ بنده، مرحوم میرزا محمدحسین شیرازی از مرحوم آیت الله ضیاء الدین عراقی و میرزای نائینی اجازه اجتهاد داشت و با حضرت آیت الله خویی خیلی مانوس و هم‌بحث بود و باهمدیگر گدده‌های علمی داشتند. بعد از اینکه شرایطی برای پدر بزرگ ما پیش آمد که لازم بود به ایران مهاجرت کند، فرزندانش همراه ایشان آمدند. در میرزا محمود وزیر در سرچشمه منزلی را تهیه کردند. عائله پرجمعیتی داشتند و لذا از خداوند خواستند تا منزل مناسبی را عنایت کند. منزل در دست تعمیرات بود که یکی از بزرگان در محله دربند منزلی را در اختیار ایشان قرار داد. یک روز در مسیر دربند تهران خودروی آن‌ها تصادف می‌کند و پدر بزرگ ما به رحمت خدا می‌رود. این خانواده پرجمعیت با سرپرستی پدر من می‌ماند. طبیعتاً پدر ما باید خانواده را تمشیت و اداره کند و لذا از سنین

پیاده شده و در قالب کتاب وزین زلال حکمت چاپ و منتشر شده است. امیدواریم که جلد سوم آن به زودی آماده و منتشر بشود. اسم این کتاب تفسیر است؛ اما مباحث اعتقادی، اخلاقی، حکمت و... در آن بحث شده است. در شب‌های جمعه و شنبه مسجد شفا مالامال از جمعیت می‌شد و مشتاقان از راه‌های دور برای شنیدن این مباحث می‌آمدند. با توجه به اینکه محل ما در یوسف‌آباد، اقلیت‌های مذهبی دارد و افرادی که در پای سخنرانی‌های مرحوم پدرم می‌نشستند، از راه‌های بسیار دور می‌آمدند و از محضر ایشان استفاده و بهره می‌بردند.

سیره اخلاقی ایشان در منزل چگونه بود؟ به چه نحو با فرزندان خود تعامل داشت؟

ما آن چیزی که از پدر خود دیدیم، مهربانی، احترام به مادر، احترام به فرزند، عقل‌گرایی، تشویق به تفکر، تشویق به استفاده بهینه و درست از اوقات و... بوده است. این‌ها را هم به صورت گفتاری و هم به صورت عملی به ما می‌آموخت. ما گاهی از پدر خجالت می‌کشیدیم که شب‌ها زودتر از ایشان برای خوابیدن و استراحت می‌رویم؛ چون تا پاسی از شب مشغول مطالعه و آماده‌سازی دروس و مطالب بود تا در روز بعد برای طلاب محترم آن‌ها را ارائه کند. لذا با ما آن چنان رفتار می‌کرد که از وقتمان باید خیلی استفاده و بهره کافی ببریم. به‌طور مرتب سوره عصر را برای ما می‌خواند. آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» را برای ما بسیار تکرار می‌کرد. لذا این برای ما خیلی مسئله مهمی شد.

از دستاوردها و خدمات علمی و اجتماعی ایشان برای ما بفرمایید.

دستاوردهای مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی هم در خدمات علمی خلاصه می‌شود و هم اجتماعی. ایشان می‌فرمود که من در ایام جوانی خدمت حضرت امام رضا علیه‌السلام مشرف شدم و دو چیز را از خدا خواستم؛ یکی اینکه کتاب اصول عقاید بنویسم. دوم اینکه خدا توفیق بدهد تا عده‌ای زیادی به دست من مسلمان بشوند و هر دو این‌ها محقق شد... ایشان کتابی دارند به نام «نگاه ناب» که توسط بوستان کتاب چاپ و منتشر شد و در معرض استفاده علاقه‌مندان قرار گرفت. همچنین حدود ۵۰۰ نفر به دست ایشان به دین مبین اسلام مشرف شدند و دفتری به یادگار مانده که نام افراد مسلمان شده در آن هست. الحمدلله این توفیقی بود که ما هم توانستیم آن را ادامه بدهیم. الان این تعداد به ۶۱۰ نفر رسیده است. از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۹۵ که ایشان توانایی این کار را داشت، حدود ۵۰۰ نفر به دستشان به دین اسلام مشرف شدند. اگر کسی می‌خواست فقط شهادین را بگوید، ایشان قبول نمی‌کرد و بلکه اصرار بر مذاکره با او را داشت. برای هر جلسه هم حدود دو ساعت وقت می‌گذاشت و افراد را با روش علمی و عقلی و نه نقلی، به دین اسلام هدایت می‌کرد؛ چون به هر حال در اینجا نقل کاربردی ندارد. برای کسی که دین اسلام را قبول ندارد، استفاده از نقلیات جایگاهی ندارد، بلکه به تناسب مسیر را اول با فطریات و بعد با عقلیات برایش مشخص می‌کرد و سپس از نقلیات بهره می‌برد. لذا روش آقا در این مسئله این بود. یکی از کارهای بزرگ اجتماعی که ایشان ارائه داد، همین بوده است.

از خدمات دیگر اجتماعی ایشان می‌توانیم به فعالیت‌ها در مؤسسات دینی و مذهبی و بیمارستان اشاره کرد. همان‌طور که می‌دانید آیت‌الله سیدرضی شیرازی از هیئت امنای برخی از مؤسسات دینی، بیمارستان‌ها و متولی بسیاری از موقوفات بود.

بیمارستان کسری که در بالای میدان آرژانتین است، آیت‌الله سیدرضی شیرازی کلنگ آن را زد. کلنگ مسجد جامع شهرک غرب، کلنگ مسجد اکبر در میدان آرژانتین هم توسط ایشان زده شد. همچنین از هیئت امنای بیمارستان میرزا کوچک‌خان بودند. این‌ها خدمات برجسته اجتماعی است و همت بسیار بلند ایشان را در خدمت‌رسانی به مردم نشان می‌دهد.

علاوه بر همه این‌ها مراجعاتی به منزل و مسجد از سوی فقرا داشتیم و در این منزل حقیقتاً به روی همه باز و ملجأ و پناهگاهی برای بسیاری از افرادی بود که از همه جا ناامید شده بودند. خدمت آیت‌الله سیدرضی شیرازی می‌رسیدند و ایشان با جان و دل، یعنی بدون هیچ مضایقه‌ای تا آنجایی که از عهده‌اش برمی‌آمد برای رفع گرفتاری‌های مردم همت می‌کرد و نامه می‌نوشت. این‌ها کارهایی بود که بسیار انجام می‌داد. حتی برای برخی از افراد منزلی را تهیه می‌کرد و این‌ها اموری است که افراد خودشان باید بیان کنند.

آیا مرحوم والد شما در دانشگاه هم تدریس داشت؟

بله. ایشان قبل از انقلاب در دانشگاه تدریس داشت. به همراه آیت‌الله مطهری در دانشکده الهیات تهران بود و در آنجا تدریس می‌کرد. در مدرسه مروی و سپس سالار هم کرسی تدریس داشت و کارهای علمی را دنبال می‌کرد.

چرا آیت‌الله سیدرضی شیرازی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مسئولیت‌های اجرایی را نپذیرفت؟ علت خاصی دارد؟

آیت‌الله مطهری از دوستان مرحوم پدرم بود و ایشان را به خوبی می‌شناخت و این‌ها از ایام جوانی با همدیگر ارتباط علمی و معنوی خاصی داشتند. وقتی در مدرسه مروی بود، با همدیگر به سمت منزل می‌رفتند. آیت‌الله مطهری در چندین نامه که خدمت امام نوشت، از افرادی که شایسته برای به‌کارگیری در امور انقلاب هستند، نام می‌برد که یکی از آن افراد مرحوم آیت‌الله سیدرضی شیرازی است. حضرت امام هم با عنایت به اینکه پدر ما آقازاده است و از نجف هم با هم مرتبط بودند، توجه ویژه‌ای داشت. حتی برای خیرگان دوره اول آیت‌الله سیدرضی شیرازی انتخاب شد و توسط آیت‌الله مهدوی کنی به عنوان رئیس کمیته یک منطقه در تهران انتخاب شد. با این حال پس از چندی توسط گروه فرقان ترور شد. این ترور باعث شد که دیگر تصدی مقام اجرایی نداشته باشد و از پذیرفتن مسئولیت در امور اجرایی عذرخواهی کند.

ماجرای ترور ایشان چه بود و توسط چه کسی و به چه هدفی صورت گرفت؟

در تیرماه ۱۳۵۸ بعد از ترور آیت‌الله مطهری و شهید عراقی، گروه فرقان پدر ما را ترور کردند. از آن اعلامیه که در منطقه پخش شد، مشخص می‌شود که گروهک فرقان این ترور را انجام دادند. در آن اعلامیه موجود است که ایشان را به عنوان یکی از نیروهای انقلابی که در اختیار نظام جمهوری فعالیت می‌کند، شایسته ترور دانستند و خوشحال بودند که یک نیروی انقلابی را دارند از این جریان حذف می‌کنند. در یک ظهر تابستانی داشت به تهایبی از مسجد به طرف منزل می‌آمد که توسط یک جوانی که پشت تیر چراغ برق پنهان شده بود، مورد قصد قرار می‌گیرد. خود ایشان قضیه را این‌گونه تعریف می‌کند که به آن جوان که اسلحه کشیده بود، گفته چرا می‌خواهی بزنی؟ اولین گلوله از عمامه ایشان رد می‌شود و به دیوار پشت

سر اصابت می‌کند. چهار گلوله دیگر به پدرم می‌زند و چون سرودا می‌شود و مردم از راه می‌رسند، آن جوان متواری می‌شود. وقتی مرحوم پدرم برای عمل جراحی ناحیه پا به خارج از کشور رفت، از دادگاه انقلاب تماس گرفتند و گفتند ما این فرد را دستگیر کرده‌ایم و اگر شما شکایتی دارید، بفرمایید تا رسیدگی بشود. مرحوم پدرم از همان جا گفت که من آن جوان را بخشیدم... اما به هر حال آن جوان چون در ترور افراد دیگر دست داشت، اعدام شد.

انتصاب ایشان به عنوان رئیس کمیته برخی از مناطق موجب این ترور شد؛ هر چند به زودی استعفا داد و خودش را شخصیت این قبیل کارها نمی‌دانست. می‌فرمود من مرد محراب و منبر و تدریس و طلبه‌پروری و ارتباطات مردمی هستم و اجازه بدهید در همین زمینه‌ها فعالیت کنم. البته پس از بهبودی با حضرت امام هم جلسات و ارتباطاتی داشت. بنده رفت و آمدهای مرحوم سید احمد خمینی در منزل خودمان را به یاد دارم. شخصیت‌های بزرگی مثل شهید آیت‌الله بهشتی، مرحوم آیت‌الله موسوی اردبیلی، شهید شاه‌آبادی، شهید سید باقر حکیم و... از دوستان مرحوم پدرم بودند و به منزل ما رفت و آمد داشتند. برخی از این افراد از دوستان مرحوم پدر بودند و برخی از خویشاوندان. بنابراین مرحوم پدرم از انقلاب و نظام به‌طور کامل منقطع نشد؛ اما دخالتی در امور اجرایی نمی‌کرد. علتش هم این بود که خود را در چنان جایگاه اجرایی نمی‌دید. می‌گفت بهتر است در کاری فعالیت داشته باشم که تخصص آن را دارم که همان امور علمی و ارتباطات مردمی است.

از آثار ایشان هم مطالبی را برای ما بیان بفرمایید. دو جلد کتاب شرح منظومه تألیف فرموده که اثر بسیار ارزشمندی است. روش تدریس ایشان، بسیار مهندسی شده بود و انصافاً با برنامه و دقت کامل مطالب را به طلاب بیان می‌کرد. این را از اساتید بزرگوار خود، مثل آیت‌الله رفیعی قزوینی فرا گرفته بود. وقتی تدریس می‌کرد مطالب را چیدمان شده به طلاب می‌آموخت. به همین جهت کتاب شرح منظومه ایشان نسبت به شروخی که نوشته شده، بسیار ممتاز و قابل توصیه است.

آثار دیگری هم دارد؛ از جمله کتاب زلال حکمت، نگاه ناب، الاسفار عن الاسفار و... ایشان همچنین شرح و حاشیه‌ای بر کفایه دارد که ان‌شاء‌الله به مرور آن‌ها را آماده می‌کنیم.

گویا ایشان نماینده آیت‌الله العظمی بروجردی هم بود. در این باره توضیحی ارائه بفرمایید.

چون آیت‌الله سیدرضی شیرازی شخصیت علمی و اجتماعی بود، آیت‌الله العظمی بروجردی هم به ایشان لطف و محبت و عنایت خاصی داشت و از این رو، یکی از نمایندگان که به کنفرانس آزادی الجزایر اعزام کرد، آیت‌الله سیدرضی شیرازی بود. این کنفرانس به‌طور دوره‌ای برگزار می‌شد و ایشان آن دوره‌ای که در بیت‌المقدس تشکیل شد، پدر ما را به عنوان یکی از نمایندگان خود به آنجا اعزام کرد. یک‌بار هم آیت‌الله العظمی بروجردی به آیت‌الله سیدرضی شیرازی فرموده بود آیا آمادگی دارید به کشور اتریش بروید و در آنجا به عنوان نماینده من باشید؟ پدرم به ایشان گفت اجازه بدهید تا در این زمینه فکر کنم و اطلاع بدهم. متأسفانه آیت‌الله العظمی بروجردی پس از آن به رحمت خدا رفت و آن برنامه هم منتفی شد. در واقع آیت‌الله بروجردی مرحوم پدرم را هم برای اتریش به عنوان نماینده خود انتخاب کرده بود و هم برای کنفرانس بیت‌المقدس.